



چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی تربیت دینی در عصر «جهانی شدن»

مهرداد احمدی فر*

علیرضا صادق زاده قمصری**

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۶/۱۲

چکیده:

جهانی‌شدن فرایند رو به گسترشی است که تمام ابعاد و نهادهای جوامع را درنوردیده و توجه همگان را به خود معطوف داشته است. امروزه فرایند جهانی‌شدن موجب شده تا افراد فراتر از مرزهای یک کشور به تعامل و مبادله افکار و اندیشه‌ها بپردازند که این امر نظام‌های تعلیم و تربیت را در سراسر جهان دستخوش تغییراتی اساسی کرده است. به طوری که به اعتقاد متخصصان تعلیم و تربیت جهانی‌شدن بارزترین خصیصه تعلیم و تربیت در دوره کنونی است که در حال تجربه شدن است.

این پدیده با متأثر ساختن فرهنگ دینی جامعه، تربیت دینی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. جهانی‌شدن فرصت‌ها و تهدیدهایی را پیش‌روی تربیت دینی قرار داده که تبیین و شناخت آنها می‌تواند زمینه‌ای فراهم آورد تا نظام آموزشی در فرایند تربیت دینی، با این پدیده فراگیر مواجهه صحیح و مطلوبی داشته باشد.

به این منظور این نوشتار درصدد است تا پس از شرح و تعریف مفهوم جهانی‌شدن، ابعاد و دستاوردهای آن و بیان نظریاتی درخصوص دین و جهانی‌شدن به شناخت مفهوم تربیت دینی، ابعاد و ویژگی‌های آن و چالش‌ها و فرصت‌های جهانی‌شدن بر روی تربیت دینی بپردازد.

واژگان کلیدی: جهانی‌شدن، تربیت دینی، تعلیم و تربیت.

* عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور E-mail: Mehrdad_ahmadifar@yahoo.com

** عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس E-mail: Alireza_sadeqzadeh@yahoo.com

مفهوم و تعریف جهانی‌شدن

با وجود شتاب جهانی‌شدن در عمل و طرح مباحث متعدد مربوط به آن مفهوم جهانی‌شدن و مؤلفه‌های اساسی آن، همچنان روشن نیست و بحث در مورد معانی آن، از جمله مباحث مناقشه‌آمیز به‌شمار می‌رود. به نظر می‌رسد، نخستین گام در روشن ساختن این واژه، بیان تمایزهای آن با دیگر واژه‌های مطرح در حدود آن است. یکی از واژه‌های نزدیک به «جهانی‌شدن»^۱، واژه «جهانی‌سازی»^۲ است. درباره تفاوت این دو اصطلاح باید گفت اگرچه محصول این دو فرایند با یکدیگر شباهت‌هایی دارند؛ اما نگاه به فرایند جهانی‌شدن، از دو چشم‌انداز متفاوت صورت می‌پذیرد. واژه «جهانی‌سازی» با تأکید بر وجه فاعلی فرایند جهانی‌شدن، بر نقش مبنایی قصد و نیت فاعل بر آن، تأکید می‌ورزد و آن را فرایندی آگاهانه، برنامه‌ریزی شده و هدفمند تلقی می‌کند، در حالی که واژه «جهانی‌شدن»، با کم‌رنگ ساختن فاعل این فرایند، توجه خویش را به‌خود فرایند معطوف می‌کند (سجادیه و باقری، ۱۳۸۷).

فرایند جهانی‌شدن از دهه هشتاد قرن بیستم به صورت گسترده در محافل علمی مورد توجه قرار گرفته است. در طی ربع قرن بیستم جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی همچون هابرماس (کنش ارتباطی و زیست‌جهان)، گیدنز (همبستگی اجتماعی و مجموعه‌ای از فرایندها)، رکر، دانلوف، هابری‌سان، می‌یرز، دانیل‌بل (ادغام بین جوامع، تکنولوژی به عنوان زبان مشترک جهانی)، ایمانوئل والرشت این و سمیر امین (نظریه فرهنگ جهانی)، مارتین کارنوی (نظریه جهانی شدن به عنوان فرایندی جدید)، مک لوهان (نظریه‌های ارتباطات و جریان تسریع‌کننده و پرشتاب ارتباطات الکترونیکی و انفجار اطلاعات برای توسعه ارتباطات و مناسبات فراملی بین کشورهای مختلف جهان) را ارائه کرده‌اند (مهرعلیزاده و صفایی‌مقدم، ۱۳۸۷).

با اینکه اندیشمندان زیادی به مفهوم‌پردازی و تعریف جهانی‌شدن پرداخته‌اند؛ اما تعریفی که بتوان تصویر روشنی از آن ارائه داد در دست نیست، چرا که متفکران و محققان مختلف با توجه به اندیشه‌ها، تصورها و مفروض‌های ذهنی خود به تعریف آن پرداخته‌اند. در حقیقت تعدد و تکثر تعاریف در این باره ناشی

نظام‌های آموزشی عصر حاضر، دو مسئولیت عمده به دوش دارند و برای انجام هر یک از این مسئولیت‌ها، همه مسئولان و دست‌اندرکاران جامعه باید تلاش و جدیت لازم را به‌کار گیرند. نخست آن‌که، کوشش‌هایی برای آشنا ساختن نسل جوان با نتایج تجربیات نسل‌های گذشته انجام شود تا از این طریق، تجربیات نسل‌های متوالی بر هم افزوده شود و به تدریج به صورت سرمایه‌های تمدنی عظیم و ارزشمند در اختیار شهروندان جوان به‌منظور بهره‌گیری در کیفیت‌بخشی به زندگی فردی و اجتماعی آنان مورد استفاده قرار گیرد. دوم نظام‌های آموزشی محصولات و برون‌دادهای خویش را که دانش‌آموختگان و شهروندان آینده جامعه ملی و جهانی هستند به‌گونه‌ای تربیت نمایند که در عصر ناشناخته فراروی آنان، پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی خود به مهارت‌ها و دانش‌های تخصصی مجهز شده تا ضمن دارا بودن توانایی حل مسائل و مشکلات عصر خود، بتوانند در آینده با چالش‌ها و مسائل جامعه محلی، ملی و جهانی به نحو مناسب برخورد نمایند (زمنندی و حبیبی‌پور، ۱۳۸۷).

یکی از ابعاد زندگی بشری که از فرایند جهانی‌شدن متأثر می‌شود، فرهنگ جوامع انسانی است. جهانی‌شدن دارای پیامدهای فرهنگی بسیاری است که در آن فشار زیادی بر جوامع، تمدن‌ها و سنت‌ها در راستای دگرگونی آنها در جهانی که با باورها و نهادهای هویتی آنان در تعارض است، وارد می‌گردد.

در این میان دین به‌عنوان یکی از عناصر بنیادی فرهنگ انسانی نیز در تعامل با جهانی‌شدن قرار می‌گیرد. بررسی جایگاه دین و تربیت دینی در عصر جهانی‌شدن و تأثیر و تأثر متقابل دین و جهانی‌شدن از اهمیت زیادی برخوردار می‌گردد. بنابراین فرایند جهانی‌شدن، فرایندی ناگزیر و اجباری برای انسان امروز است که می‌تواند هم یک تهدید و هم یک فرصت برای دین و تربیت دینی تلقی شود (توانا، ۱۳۸۴). در ادامه این مقاله تلاش می‌کنیم تا چالش‌ها و فرصت‌هایی را که تربیت دینی در برخورد با عصر جهانی‌شدن پیش‌رو دارد، مورد بررسی قرار دهیم.

زندگی مدرن در ابعاد مختلف ظهور و بروز دارد. از این رو جهانی شدن فرایندی چندبعدی است (McGrew, 1995).

کوتکوویچ و کتر، اصطلاح جهانی شدن را برای توصیف روندی به کار می‌برد که اقتصاد جهانی، نیروهای سیاسی و فرهنگی به سرعت کره زمین را زیر نفوذ قرار می‌دهند و به خلق بازار نوین جهانی، سازمان‌های سیاسی فراملیتی جدید و فرهنگ نوین جهانی می‌پردازد. بر این اساس دورنمای جهانی، توسعه بازارهای جهانی سرمایه‌داری، زوال دولت ملی، گردش پرشتاب تر کالا، مردم، اطلاعات و شکل‌گیری فرهنگی است (توانا، ۱۳۸۴).

با تأمل و دقت در این تعاریف درمی‌یابیم که هر کدام به جنبه‌هایی از جهانی شدن اشاره دارند. به طوری که عده‌ای جهانی شدن را از نگاه اقتصادی و مبادله کالا می‌نگرند و عده‌ای از زاویه دید سیاست آن را وسیله‌ای برای تسلط قدرت‌های بزرگ می‌نگرند و عده‌ای دیگر این پدیده را در خدمت تبادل اطلاعات، اندیشه و در نتیجه توسعه ملل می‌نگرند.

در واقع جهانی شدن فرایند رو به گسترشی است که همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر گرفته و تمام کشورهای جهان را به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم درگیر کرده است. به سخن دیگر، جهانی شدن فرایندی از تحولات سریع و پرشتاب در عصر حاضر است که به تدریج مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ می‌کند، بر گستره ارتباطات الکترونیکی می‌افزاید و تعاملات جدید اجتماعی - فرهنگی را بیشتر می‌کند؛ زیرا مفهوم جهانی شدن پدیده‌ای چندبعدی است و بدون تردید آثار قهری آن قابل تسری به همه فعالیت‌های اقتصادی، فناوری، سیاسی، حقوقی، اجتماعی و بویژه فرهنگی جوامع بشری خواهد بود (احمدی‌فر و صادق‌زاده ۱۳۸۷).

جهانی شدن می‌تواند پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته باشد؛ به طوری که اگر با آگاهی و درایت به کار گرفته شود می‌تواند موجب بهبود و شکوفایی شود و چنانچه نفوذ و رسوخ آن مورد غفلت واقع شود، می‌تواند زمینه‌های بروز خطراتی ویرانگر برای یک کشور به همراه داشته باشد. چرا که جهانی شدن پدیده‌ای است که از طریق به‌کارگیری ابزارهای تکنولوژیکی رسوخ می‌کند. بنابراین در حال حاضر به دلیل همگانی شدن این ابزارها ممانعت از گسترش آن در یک کشور تقریباً غیرممکن است.

از رویکردهای متفاوت افراد به این بخش از دانش بشری است. بنابراین به‌منظور آشنایی با تعاریفی که در این خصوص وجود دارد به معرفی تعدادی از آنها می‌پردازیم؛

- جهانی شدن، فرایندی اجتماعی است که در آن، قیدوبندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و... که بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین می‌رود. البته اگرچه جهانی شدن روندی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و... است؛ اما بیش از همه، روندی اقتصادی است.

- جهانی شدن مجموعه فرایندهایی است که به واسطه آنها چنانچه حوادث، اتفاق‌ها و فعالیت‌هایی در یک نقطه خاص از زمین اتفاق افتد، مطمئناً در دیگر مکان‌ها و جوامع منعکس می‌شود (Lopez Ruperez, 2003)

- جهانی شدن، پدیده‌ای چندبعدی است، از این رو، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... را در بر می‌گیرد و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین رفته و یا کمرنگ می‌شود؛ کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی بر کشورها حاکم می‌شود (رجایی، ۱۳۸۰).

- جهانی شدن یعنی یکسان شدن و یا مشابه کردن دنیا. این حادثه به طرق گوناگون چون توسعه ماهواره‌ها، گسترش رایانه‌ها، افزایش رسانه‌ها، بویژه ازدیاد کانال‌های تلویزیونی صورت می‌گیرد (آکسفورد، ۱۳۷۸).

- مارتین آلبرو معتقد است که جهانی شدن شامل فرایندهایی است که براساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم پیوند می‌خورند. وی نقش دولت‌های کنونی را در بعد حاکمیت کاهش داده و یک جامعه جهانی خارج از حاکمیت دولت‌ها را به تصویر می‌کشد، بدون آنکه فقدان قدرت ملی را به‌طور کلی منکر شود (پیشگامی فرد، ۱۳۸۰).

- گیدنز بر این است که جهانی شدن واقعاً به دستور کار جدیدی در زندگی ما اشاره می‌کند، دستور کاری که در آن رویدادهای دور دست مستقیماً به زندگی محلی تأثیر می‌گذارد و آنچه را که ما به عنوان یک فرد انجام می‌دهیم می‌تواند پیامدهای جهانی داشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۹).

- مک‌گرو معتقد است: جهانی شدن الگوی فعالیت‌های مختلف بشری به سوی فرآقاره‌ای و بین‌منطقه‌ای شدن در حرکت است. وی همچنین معتقد است جهانی شدن در تمام حوزه‌های

کسانی را که عقاید باطل پدرانشان را به ارث می‌برند، مورد مذمت قرار داده است. دهه‌آیه در قرآن وارد شده که تفکر سطحی را مورد سرزنش قرار داده، منزلت صاحبان خرد را بالا می‌برد.

دین اسلام با دیدی واقع‌گرایانه نه متعصبانه، به تمام ابعاد وجودی انسان توجه داشته و در کنار آموزش سایر علوم، آموزش علوم دینی و مذهبی را هم توصیه کرده است.

در دیدگاه اسلام، اعتقاد بر این است که مجموعه مفاهیم و آموزه‌های اعتقادی، اموری هستند که با سرشت اولیه و دست‌نخورده کودک و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگارند.

چنان‌که آیه ۳۰ سوره «روم» خود شاهدی بر همین دست‌مایه‌های فطری است. فطری بودن مفاهیم اعتقادی حاکی از این است که

پیش از هر نوع آموزشی، نوعی کشش به سمت دین، خدا و معاد در نهاد کودک وجود دارد که می‌تواند پرورش یابد و شکوفا شود.

روایت نبوی «کل مولود یولد علی الفطرة» (مجلسی؛ ۱۳۵۷: ج ۳،

۲۸۱)؛ نیز بر همین امر دلالت دارد. بر این اساس، آموزش مفاهیم دینی به کودکان، به‌رغم اعتقاد کسانی که آن را در سنین کودکی

مناسب نمی‌دانند، ممکن و قابل اجراست؛ زیرا ما در آموزش مفاهیم دینی به کودکان هرگز به دنبال اضافه کردن مطالبی

بیرون از وجود کودک نیستیم؛ بلکه غرض از آموزش اعطای بینش و آگاهی، یا به عبارتی، رشد و شکوفاسازی اموری است که

در سرشت کودک نهاده شده و فطری اوست. به همین دلیل، در آموزش و انتقال مفاهیم و آموزه‌های مبتنی بر فطرت، دیگر جایی

برای خشونت و سخت‌گیری، تحمیل عقیده، القائات و به‌تبع آن، تقلید کورکورانه باقی نمی‌ماند؛ چرا که این مفاهیم با آموزش بر

اساس فهم و آگاهی به هیچ‌وجه سازگار نیست. از این‌رو، مهم‌ترین اصلی است که باید در جریان آموزش مفاهیم دینی به کودکان،

مورد توجه معلمان و مربیان قرار گیرد (مقدسی‌پور، ۱۳۸۲).

تربیت دینی که متأثر از دین اسلام است، این قابلیت را دارد که بدور از هرگونه تعصب با برخوردی سنجیده با فرایند جهانی

شدن مواجه شود. بنابراین موضع آن در برابر پروسه جهانی شدن، موضع ارزیابی، انتخابگری، گزینش و طرد نسبت به مظاهر و

دستاوردهای جهانی‌شدن بر طبق مبانی ایدئولوژیک اسلامی است. چرا که طرد تمام عیار همه مظاهر و دستاوردهای آن نه

فاخری (۱۳۷۹)، پیامدهای مثبت جهانی شدن را رساندن انسان به صلح و آرامش جهانی، گرایش بیشتر حکومت‌های اقتدارگرا به دموکراسی، کاهش تعارضات ایدئولوژیک، گسترش اطلاعات و ارتباطات، نزدیکی و هماهنگی بیشتر بین بازیگران بین‌المللی و ارتباط و پیوستگی زنجیروار تحول‌های بین‌المللی، می‌داند و پیامدهای منفی آن را فقیرتر کردن فقرا، غنی‌تر کردن اغنیاء، تخریب محیط زیست، استثمار مدرن، افزایش شکاف بین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته و قرار گرفتن ابزار تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی در اختیار شمال برمی‌شمرد (احمدی‌فر و صادق‌زاده ۱۳۸۷).

جهانی‌شدن و تربیت دینی

تربیت دینی^۱ به عنوان یکی از شاخه‌های تعلیم و تربیت حساسیت خاصی دارد. متفکران غربی با تردید در وجود این شاخه از تربیت به بیان نظریاتی پرداخته‌اند که با پاسخ‌هایی از طرف متفکران تعلیم و تربیت اسلامی مواجه شده‌اند (باقری، ۱۳۸۳). عده‌ای نیز بر آن شدند تا با خلط مباحث تربیت دینی و تلقین این دو حوزه، ارزش و اعتبار تربیت دینی را تا سطح تلقین فرو کاهند؛ اما حقیقت این است که تربیت دینی امری ورای تقلید، تلقین... و می‌باشد. این شاخه از تعلیم و تربیت با پشتوانه مباحث نظری و فکری از پویایی و کارآمدی فراوانی برخوردار است.

هدف تربیت دینی آن است که دانش‌آموزان را در فهم دین یاری رساند تا آنها بتوانند آگاهانه درباره آن بیندیشند. این کار زمانی ممکن است که اذهان و عواطف آدمی، درهای خود را به روی دین نبندند و تصور نشود که دین چیزی منسوخ و مطالعه آن فاقد ارزش است. بنابراین تنها راه سعادت‌مند شدن انسان، بهره‌مندی او از تعلیم و تربیت دینی است (رحیمی، ۱۳۸۰).

تربیت دینی از این نظر که به پرورش عقیده در نفس دانش‌آموز توجه می‌کند، وظیفه دارد در هر مرحله از مراحل آموزش، مقدار متناسبی از حقایق اعتقادی را عرضه کند و لازم است آن‌ها به گونه‌ای تدریس شوند که تفکر را نیز به مشورت دعوت کنند. قرآن کریم تقلید در حوزه عقاید را رد می‌کند و

۱. منظور از تربیت دینی در اینجا تربیت اسلامی است.

- تربیت دینی بر مبنای آموزه‌های وحیانی به دنبال بیداری فطرت خداجوی انسان و جلوگیری از پوشیده شدن این حس متعالی انسان در اثر امور دنیوی است. اما جهانی شدن با گرایش افراطی خود به سوی استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی، باعث بیگانگی انسان از خویشتن خویش که همانا فطرت خداجوی اوست، می‌شود. از این رو انسان از شناخت، درک و درنهایت سازگاری و هم‌نوایی با جهان هستی و طبیعت عاجز می‌ماند و جهان در بیگانگی نیز، نتیجه‌ای جز خدافراموشی و خدا بیگانگی به دنبال نخواهد داشت (شمشیری، ۱۳۸۲).

فرصت‌های جهانی شدن برای تربیت دینی

- جهانی شدن فرصتی را فراهم کرده تا نظام‌های تربیتی با کارآمدی بیشتری به حیات خود ادامه دهند. چرا که این پدیده با استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی فاصله‌ها را کاهش داده و ارتباط میان افراد را تسهیل نموده است. تربیت دینی نیز می‌تواند با استفاده از این فرصت پیش‌آمده و با استفاده از طراحی‌های نوین با حرکتی پیش‌رونده، گستره نفوذ خود را افزایش داده و مخاطبان خود را با استفاده از فناوری اطلاعات تأمین کند. در واقع فناوری اطلاعات فرصت‌های جدید برای نظام آموزشی، از جمله تربیت دینی فراهم کرده است که با بهره‌گیری مؤثر از این فرصت‌ها و پتانسیل‌های موجود، بتواند ساختاری در خور هزاره جدید بنا نهد (جلالی، ۱۳۸۰).

- اشاره شد که تربیت دینی جدای از تقلید و تلقین است و در واقع تربیت دینی با اصل آگاهی‌بخشی، به دنبال افزایش توانایی فراگیران برای ارزیابی و گزینش است. در فرایند جهانی شدن «بازار مذهبی کاربر محور» پدید خواهد آمد که اشاره دارد به اینکه در آن هر فردی با توجه به ارزش‌های شخصی و احساساتش، اجزایی را که از ادیان رقیب جذاب‌تر و مفیدتر می‌یابد، در نظر می‌گیرد و انتخاب و تجربه می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۹). بنابراین ضروری است با تکیه بر این اصل آگاهی‌بخشی در تربیت دینی، فرصت‌هایی که در این مسیر حاصل می‌شود، مورد توجه قرار گیرد.

- با نگاهی به جهان پیرامون خود، به آسانی می‌توانیم دریابیم

تنها ممکن نیست؛ بلکه مطلوب هم نیست. بر این اساس موضعی که به نظر می‌رسد متناسب با ایدئولوژی اسلام است که حالت میانه این دو وضع است؛ یعنی: پیوند با بافت رایج و نقادی مؤثر نسبت به آن (طوسی و کرامتی، ۱۳۸۷).

پدیده جهانی شدن فراروی حوزه تربیت دینی، افق‌های جدیدی را گشوده است که این افق‌ها به نوبه خود هر کدام به نحوی فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را برای عناصر تشکیل‌دهنده تربیت دینی فراهم کرده‌اند. از این رو در ادامه این مقاله تعدادی از مهمترین فرصت‌ها و چالش‌های متصور مربوط به تربیت دینی بررسی می‌شوند. از نظر نگارنده نباید به پیامدهای پدیده جهانی شدن به گونه‌ای سلبی یا ایجابی نگریست؛ بلکه باید این پیامدها را تحلیل کرد، ابعاد آن را شناخت و متناسب با شرایط و مقتضیات کشور و جهان با اتخاذ تدابیر به موقع و مناسب تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد.

چالش‌های جهانی شدن برای تربیت دینی

- یکی از مهمترین تهدیدها و چالش‌های جهانی شدن برای تربیت دینی رواج و گسترش تکثرگرایی^۱ دینی است. تکثرگرایی با فرایند سلب تمرکز مذهبی در تربیت دینی موجب تردید در آموزش مطلق‌های دینی و حمایت از نسبیت‌گرایی می‌شود.

- یکی از تهدیدها و چالش‌های جهانی شدن، هجوم به هویت دینی است، که فرایند تربیت دینی در پی تشکیل آن است. این تهدید به دلیل ابزارهایی بدون جهت‌گیری خاص است که پدیده جهانی شدن برای گسترش خود از آنها سود می‌برد. فرهنگ فعلی حاکم بر انواع ابزارهای ارتباطی نوین برای کاربرانی که بنیه فکری قابل توجهی نداشته باشند، «هویت‌زا» است نه «هویت‌ساز» چرا که «ارزش‌های زندگی» که دین مطرح می‌کند بر آن حاکم نیست. «هویت انسانی» قربانی «هویت ماشینی» شده است.

- جهانی شدن با گسترش فرهنگ مدگرایی و مصرفی که ناشی از فرهنگ غربی است، در تقابل با اخلاق مذهبی است که تربیت دینی با استفاده از اخلاق مذهبی، به دنبال هدایت ترسیم افق‌های روشن برای رستگاری و هدایت بشری است.

1. pluralism

راهبردهای آموزش و یادگیری تربیت دینی در عصر جهانی شدن است (حق‌پناهی و دیگران، ۱۳۸۳).

- فناوری آموزشی زمینه بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات با تفکر منطقی و اتخاذ شیوه‌های راهبردی در حل و فصل مسائل را فراهم می‌سازد. با استفاده از تکنولوژی ارتباطی می‌توان در راستای جهانی کردن فرهنگ از تعلیم و تربیت دینی بهره گرفته و منطبق قدرتمند و سازگار با فطرت را در اکناف عالم انتقال داد (سجادی، ۱۳۸۱)

جمع بندی

جهانی شدن به عنوان یک فرایند همگانی امری اجتناب‌ناپذیر است، بنابراین صرف انرژی و هزینه به‌منظور ممانعت از نفوذ و رسوخ آن در یک کشور امری نامعقول جلوه می‌کند. آنچه منطقی و معقول دیده می‌شود مواجهه صحیح و برنامه‌ریزی شده با آن است. نظام آموزشی و به‌خصوص تربیت دینی از اموری است که در معرض تاخت و تاز جهانی شدن قرار گرفته است. و از این روست که فرصت‌ها و چالش‌های فراوانی پیش‌روی تربیت دینی گرفته شده که با شناخت و تبیین آنها می‌توان بدون واگم با آن مواجه شد و از آن بهره گرفت.

جهانی شدن می‌تواند به عنوان یکی از بارزترین خصیصه‌های تعلیم و تربیت در عصر حاضر، تهدیدهایی برای تربیت دینی در خود به همراه داشته باشد که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد رواج و گسترش تکثرگرایی دینی، تردید در ارزش‌های مطلق دینی، آسیب رساندن به هویت دینی، گسترش فرهنگ مصرفی و مدگرایی غربی، بیگانه نمودن انسان از خویش و فطرت خداجوی خود. علاوه بر این، پدیده جهانی شدن حامل فرصت‌هایی برای تربیت دینی نیز می‌باشد که با شناخت و بهره‌گیری از این فرصت‌ها می‌توان روند تربیت دینی را تسهیل نمود. از مواردی که می‌توان به عنوان فرصت‌های جهانی شدن برای تربیت دینی از آنها یاد کرد، عبارتند از: گسترش نفوذ تربیت دینی با استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی، هماهنگ کردن تربیت دینی با مقتضیات هزاره جدید، معرفی و انتقال هر چه بیشتر محتوای دینی با استفاده از تعاملات فراوان موجود،

که یکی از مهمترین ویژگی‌های آن، وجود تعدد و تنوع فرهنگی در اجتماعات بشری است. در حالی که روزگاری چنین تصور می‌شد که اعضای یک واحد سیاسی معین، مانند ملت - کشور، دارای فرهنگ واحد، یکپارچه و مشترکی هستند و بسیاری در آرزوی تحقق بخشیدن به فرهنگ جهانی، با همین ویژگی‌ها بودند، امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که با مشاهده تنوع و تعدد فرهنگ‌ها، حتی در درون ملل دارای فرهنگ دیرین، به وجود تعدد فرهنگی اذعان نکند (حسینی بهشتی، ۱۳۷۹).

این قابلیت و فرصت جهانی شدن موجب گسترش آموزش چندفرهنگی شده که از طریق آن فراگیران با فرهنگ‌های دیگر آشنا شده و با مفاهیم به تعامل با فرهنگ‌های دیگر می‌پردازند. بر این اساس فراگیری در خارج از مرزهای ملی یک کشور به دنبال تعامل با فرهنگ‌های دیگر هستند. تربیت دینی می‌تواند با اتکای به این فرصت پیش‌آمده زمینه‌هایی را فراهم کند تا فراگیران با استفاده از ابزارهای ارتباطی بدور از هرگونه تعصب و جزم‌اندیشی با فرهنگ‌های دیگر در تعامل باشند و در عین حفظ هویت دینی خود نسبت به ادیان دیگر شناخت داشته باشند. چرا که رشد جهانی به معنای ارتباط مداوم با ملل دیگر و فرهنگ‌های دیگر است. همه این‌ها احساس نیاز به سهیم شدن در ارزش‌ها و بینش‌ها را بر می‌انگیزد (عطاران، ۱۳۸۳). همچنین این ویژگی موجب می‌شود تا انسان برای یک زندگی مشترک با هم‌نوعان خود، او را به سوی ارزش‌ها و اخلاقیاتی سوق دهد که کلی و جهان‌شمول باشد تا انسان، جزیی و تک بعدی بار نیاید، دارای حس همدلی و همیاری بالایی باشد و توانایی تحمل دیگران و معاشرت آنها را داشته باشد. معاشرت با دیگران یعنی نهراسیدن از تضارب آراء، تلاقی اندیشه‌ها و تقارن آرمان‌ها و خواسته‌ها (عطاران، ۱۳۸۳) که مکتب اسلام به دلیل غنای فکری و پویایی خاص خود توان مواجهه با فرهنگ‌ها و ادیان دیگر را در خود دارد.

- گسترش و توسعه نظام‌های آموزشی از راه دور (distance education)، یادگیری باز (open learning) و آموزش مجازی (virtual education) و محیط یادگیری الکترونیکی (E-Learning) باعث گسترش شیوه‌ها و

- حسینی بهشتی، سید علیرضا (۱۳۷۹). تعدد فرهنگی و سیاست، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم شماره ۶.
- حق پناهی، محمد و دیگران. (۱۳۸۳). آموزش ترکیبی در نظام علمی-کاربردی، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش الکترونیک، تهران مؤسسه فرهنگی-هنری آشنا.
- رحیمی، علیرضا. (۱۳۸۰). تعلیم و تربیت دینی معرفی رویکرد بصیرت‌گرا، نشریه رشد آموزش ابتدایی، سال ششم، شماره ۴.
- زمندی، علی اکبر. حبیبی پور، مجید. (۱۳۸۷). شهروند جهانی و نقش برنامه‌های درسی در مواجهه با مسائل فراروی آن، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن در برنامه درسی، دانشگاه مازندران.
- سجادی، سید عبدالقیوم. (۱۳۸۱). جهانی شدن و حکومت جهان اسلام، نشریه کیهان، شماره ۱۷۵۵۶.
- سجادی، نرگس. باقری، خسرو. (۱۳۸۷). بازاندیشی مفهوم هویت آدمی و تأثیر آن در برنامه درسی تاریخ براساس نظریه اسلامی عمل، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن در برنامه درسی، دانشگاه مازندران.
- شمشیری، بابک. (۱۳۸۲). بررسی تحلیل پیامدهای ناشی از گرایش افراطی به آموزش مجازی و فناوری ارتباطی و اطلاعاتی، کتاب برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات.
- عطساران، محمد. (۱۳۸۳). تحلیل رویکردهای نقادانه بر توسعه فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش، برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات، تهران، مدارس هوشمند.
- فرهنگ، رجایی. (۱۳۸۰). پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، آگاه، تهران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹). جهان رها شده، ترجمه علی اصغر سفیدی، یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: انتشارات علم و ادب.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۵۷). بحارالانوار، تهران، انتشارات آخوندی، ۱۳۵۷.
- مقدسی پور، علی. (۱۳۸۲). اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان (۱)، مجلات معرفت.
- موحدی محصل طوسی، مرضیه. کرامتی، معصومه. (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت ملی (اسلامی) در پروسه جهانی شدن و پروژه جهانی‌سازی: نگاهی دیگر، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن در برنامه‌درسی، دانشگاه مازندران.
- مهر علیزاده، بدالله. صفایی مقدم، مسعود. (۱۳۸۷). بازتاب نظریه‌های جهانی شدن بر برنامه درسی، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن در برنامه‌درسی، دانشگاه مازندران.
- Lopez Ruperez. Francisco. (2003). Globalization and Education, Vol. XXXIII, no. 3m Septembber.
- MacGerw. Anthony, (1995) The transformation of Democracy, Globalization and Territorial Democracy, Cambridge Press.

شناخت و بهره‌گیری از ارتباطات بین فرهنگی و جهانی‌کردن فرهنگ و تعلیم و تربیت دینی.

فرصت‌ها و چالش‌های ذکر شده، نمونه‌ای از موارد فراوانی است که بر سر راه دست‌اندرکاران نظام تربیت دینی قرار دارد، به این منظور ضروری است تا مریبان با فهم دقیق شرایط و مقتضیات زمان حال، تصویری درخور و کارآمد از آموزه‌های دینی ارائه کنند تا انسان‌گريزان از مکاتب بشری و ناکارآمدی‌های آنها، نیاز فطری و حقیقی خود را از زلال معارف الهی تأمین کنند. نقش طراحان و برنامه‌ریزان نظام تربیت دینی، نقشی خطیر و اساسی خواهد بود، چرا که نوآموزان با طی مسیر تعلیمی آنها، مهارت‌ها و آگاهی‌های خود را برای مواجهه با دنیای مدرن حال و چالش‌برانگیز آینده آماده می‌سازند. کارآمدی این برنامه‌ها در گرو شناخت فرصت‌ها و چالش‌های پدیده‌های امروزی و آینده مانند جهانی شدن و گسترش روزافزون تکنولوژی‌های ارتباطی است.

منابع:

- احمدی فر، مهرداد و صادق زاده، علیرضا. (۱۳۸۷). جهانی شدن، شهروند جهانی و برنامه‌درسی، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن در برنامه درسی، دانشگاه مازندران.
- باری آکسفورد. (۱۳۷۸). نظام جهانی، سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۳). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، انتشارات مدرسه، تهران.
- پیشگامی فرد، زهرا. (۱۳۸۰). نگرش ژئوپولیتیک بر پدیده جهانی شدن (تنوری نظام‌های فضا-منطقه‌ای)، سیاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- توانا، معصومه. (۱۳۸۴). نسبت جهانی شدن و تربیت دینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- جان تاملیسون. (۱۳۸۱). جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- جلالی، علی اکبر. (۱۳۸۰). برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات، چاپ اول، تهران: انتشارات مدارس هوشمند.